***طرح تحقيق***

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام و نام خانوادگی** | **دانشگاه** | **دانشکده** | **گروه** | **گرایش** | **دوره** | Mail |
| **سمیه خانی پور** | **تربیت مدرس تهران** | **ادبیات و علوم انسانی** | **تاریخ** | **ایران بعد از اسلام** | **دکتری** | [s.khanipur@modares.ac.ir](mailto:s.khanipur@modares.ac.ir/) [s.kh61.p@gmail.com](mailto:s.kh61.p@gmail.com) |

|  |
| --- |
| **عنوان**: **نقش سیاست های توسعه طلبانه قدرت های منطقه­ای بر اقتصاد ایران در دوره افغان ها** |
| **چكيده**  یکی از دوره‌های پرحادثه در تاریخ ایران، سدۀ دوازدهم هجری/هجدهم میلادی است. در واقع ایران پساصفوی نمونه بارزی از بی‌نظمی و اختلال در جامعه است. شاخصه­های عمدة این دوره نظیر طوفان‌های فزاینده سیاسی نظیر قتل و غارت‌های مکرر، عصیان و نافرمانی حاکمان محلی و مأموران دولتی، قبیله گرایی، درگیری‌های درون دودمانی، اشغال کشور بویژه کانون های مهم تجاری آن توسط قوای بیگانه جامعه ایران را درگیر آسیب‌های فراوان اجتماعی و رکود شدید حیات اجتماعی و اقتصادی نمود. مسئله اصلی این نوشتار این است که با استفاده از روش توصیفی و تبیینی تأثیر منفی سیاست­های توسعه­ طلبانه قدرت های منطقه ای -روسیه و عثمانی- بر اقتصاد ایران در دوره افاغنه را نشان دهد. |
| **كليد واژه‌ها:** ایران، افغان ها، روسیه، عثمانی، سیاست های توسعه طلبانه، رکود اقتصاد. |
| **بیان مسئله** |
| سقوط صفویه در سال 1135ه.ق/1722م به منزلۀ سقوط نظم سنتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعۀ ایران و سرآغاز تحولات و تغییرات جدیدی به نسبت دوران سروری حاکمان صفوی بود. در این دوره، سقوط حکومت مرکزی و اشغال نواحی شمالی و غربی کشور توسط روسیه و عثمانی راه را برای ناامنی، قتل و غارت، اغتشاش و جنگ­های داخلی و خارجی باز کرد. این امر، منجر به نابودی روستاها و شهرها، کاهش جمعیت و از رونق افتادن فعالیت­های بازرگانی و رکود اقتصادی گردید. بدین معنا که در طی این دوران نوعی سیاست چپاول و غارت در شهرها و روستاها جایگزین سیستم مالیات­گیری گذشته گردید. پیامد این امر تخریب شدید روستاها و شهرها بود. بندها و سدها، کاریزها و دیگر مؤسسات آبیاری خراب شد و کشاورزی در پرتگاه نابودی قرار گرفت. شهرها به‌طور عموم گرفتار قحط و غلا شدند. جمعیت فعال کشور براثر قحطی، بی­خانمانی، مهاجرت و مرگ‌ومیر ناشی از قتل‌عام و بیماری، به میزان قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یافت. افزون بر این، اخذ مالیات­های سنگین از تولیدکنندگان، پیشه­وران، صنعت­گران و تجار به توقف تولید و تجارت انجامید از سویی، در این دوره، تجار خارجی و نمایندگان کمپانی­های مختلف هند شرقی زیان­های زیادی را متحمل شدند؛ اموالشان یا به غارت رفت و یا مورد اخاذی سرمداران قدرت قرار گرفتند و از سختی­ها و مصائب در امان نماندند و حتی جانشان هم درخطر قرار گرفت.  در این میان، اهداف، شرایط و سیاست­های اقتصادی و سیاسی نیروهای منطقه­ای نسبت به گذشته در سدۀ دوازدهم هجری/هجدهم میلادی تغییر کرد. چنان که بررسی خط مشی نیروهای منطقه ای نسبت به تحولات ایران نشان از رویکرد توسعه طلبانه آنان دارد. اوضاع نابسامان ایران دو کشور هم مرز و همسایه ایران روسیه و عثمانی را به فکر بهره برداری از شرایط مزبور انداخت. بالغ بر هشتاد سال ترک­ها با ایران در حال صلح بودند لیکن با هرج و مرج داخلی ایران، به فکر استفاده از موقعیت پیش آمده افتادند. از سویی روسیه برای ممانعت از ورود عثمانی به بخش هایی از دریای خزر و اشغال این نواحی و دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خویش به فکر اشغال نواحی شمال ایران افتاد. اشغال نواحی مذکور توسط قوای بیگانه نظیر گیلان، مازندران، نواحی مختلف قفقاز نظیر دربند، باکو، شماخی، قراباغ، گنجه، نخجوان، ایروان تبریز، همدان،کرمانشاه و ... که از مهم­ترین کانون های تجاری ایران و پل ارتباطی آن با مراکز مهم تجاری دنیای پیرامون خود بود، ضربات سهمگینی بر اقتصاد ایران در عرصه ملی و بین المللی وارد کرد، زیرا از یک سو تصرف این نواحی تخریب و نابودی زیرساخت های کشاورزی، بازرگانی و اتلاف منابع فیزیکی و انسانی را در برداشت. از سوی دیگر، اشغال این نواحی کاهش تولید اصلی­ترین کالای صادراتی ایران یعنی ابریشم را در پی داشت. کاهش کالای تجارتی ذکر شده باعث افزایش قیمت آن­ شد که در نتیجه تجارت خارجی ایران را تحت شعاع قرار داد و کمپانی­های خارجی در این دوره متأثر از وضعیت داخلی ایران، با کاهش سودآوری مواجه شدند. در نتیجة این شرایط، سطح فعالیت­ها و تعاملاتشان با ایران به میزان قابل ملاحظه­ای کاهش یافت.  از این رو، در دوره حاکمیت افاغنه، اقتصاد ایران برخلاف دورۀ صفوی متأثر از حاکمیت افغان ها و سیاست های توسعه طلبانه قدرت­های منطقه­ای از شاخصه­های لازم جهت رشد و توسعۀ پایدار برخوردار نبود و در گسترش مسائلی حیاتی چون کشاورزی و بازرگانی که متضمن انگیزش عوامل تولید یعنی امنیت، کار، سرمایه، ارتباطات و معاملات تجاری بود، اختلال ایجاد شد و به طور قطع دچار از هم گسیختگی گردید.  مسأله اصلی این نوشتار این است که عوامل مؤثر بر رکود و انحطاط اقتصاد ایران در دوره حاکمیت افاغنه چیست؟ نظر به اینکه اقتصاد در هر دوره­ای به عوامل سیاسی و اجتماعی آن بستگی دارد، در این جستار، ابتدا تلاش می شود اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دورۀ مزبور مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به درکی مناسب از اقتصاد ایران در این دوره دست یافت. سپس ضمن بررسی ارتباط بین جمعیت و اقتصاد، اوضاع تجارت داخلی و خارجی ایران دوره افاغنه مورد بررسی قرار می­گیرد تا عوامل مؤثر بر رکود و انحطاط اقتصاد ایران در این دوره روشن گردد. این مطالعه با توجه ویژه به تاریخ، می تواند به مطالعه تاریخ اقتصادی ایران به عنوان یک نیاز اساسی در برنامه پژوهشی فهم اقتصاد ایران کمک کند. از سویی، این پژوهش هم به لحاظ دوره­ و نیز موضوع مورد بحث که در برگیرندۀ دوران متوالی تاریخ اقتصاد ایران از سقوط صفویه تا روی کار آمدن افشاریه می­باشد، رویکردی جدید به موضوع دارد. |

|  |
| --- |
| **روش انجام تحقیق:**  این پژوهش، از نوع پژوهش­های تاریخی می­باشد. به لحاظ روش­شناسی از دو روش توصیفی و تبیینی استفاده می شود. بدین‌صورت که در مرحله­ی گردآوری داده‌ها از شیوۀ کتابخانه­ای (اسناد تاریخی، منابع دست‌اول، منابع تاریخی پژوهشی) و فیش­برداری استفاده‌شده و با تکیه‌بر روش تفسیر و تبیین تاریخی، تحلیل داده­ها صورت گرفته است. سپس به تجزیه‌وتحلیل داده­ها در راستای سؤالات و فرضیات تحقیق مبادرت ورزیده میشود. در این روش در کنار بیان تاریخی حوادث مرتبط با دوره پژوهش به عوامل مؤثر برآنها با دیدي تحلیلی نگریسته شده بگونه اي که با بررسی ابعاد و جمع بندي بحث هاي مطروحه در آن می توان افزون بر درك و دریافت وقایع تاریخی و تحولات سیاسی- اجتماعی ایران دوره سدۀ دوازدهم هجری/هجدهم میلادی به نگرش جامع و اطمینان بخشی در مورد اوضاع اقتصادي ایران در دوران مزبور به عنوان محور اصلی این نوشتار دست یافت. |